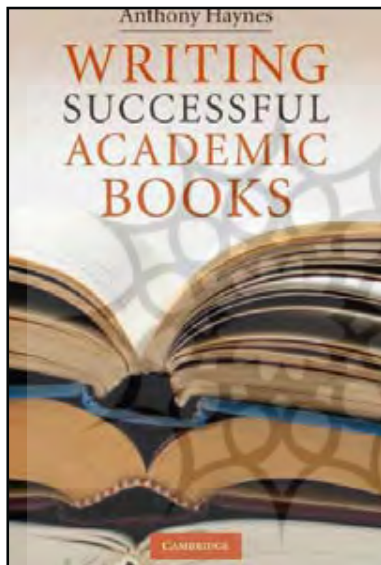


## نگارش کتاب‌های دانشگاهی موفق



■ Haynes, Anthony, *Writing Successful Academic Books*.  
Cambridge University Press, 2010, xv, 175 p. ISBN: 978-0-521-51498-9.

دلیل این کتاب می‌تواند دست‌نامه کارآمدی برای کسانی باشد که می‌خواهند آئین نگارش علمی را به صورت خودآموز فراگیرند. امتیاز سوم متن سلیس و موجز آن است به‌نحوی که خواننده می‌تواند به راحتی موضوع را دنبال کند بدون آنکه با کمترین دشواری و ابهام مواجه شود. ویژگی مثبت دیگر آن وجود مثال‌های متعددی است که در بخش‌های مختلف کتاب و به‌ویژه در بخش دوم ارائه شده است. اغلب این مثال‌ها از یکی از مقالات خود نویسنده و بخش‌های ۲۵ مقاله دیگر است که فهرست آنها در مقدمه کتاب آمده است. به این ترتیب خواننده می‌تواند چگونگی به‌کارگیری اصول معرفی شده را در نمونه‌های واقعی ببیند.

در کنار امتیازهایی که ذکر شد، کاستی‌هایی نیز در این کتاب دیده می‌شود. یک از کاستی‌ها سوگیری شدید نویسنده به مثال‌های حوزه پزشکی است به طوری که تقریباً تمام مثال‌ها از حوزه پزشکی است. البته با توجه به رشته تخصصی نویسنده این موضوع قابل درک است و الزاماً نقضی جدی برای کتاب محسوب نمی‌شود؛ اما با توجه به عنوان عمومی کتاب که هیچ اشاره‌ای به رشته پزشکی در آن نشده است، خواننده انتظار دارد در بیان نمونه‌ها و مثال‌ها نویسنده نیم‌نگاهی به حوزه‌های دیگر نیز داشته باشد. اگر در عنوان کتاب به اختصاص آن به حوزه پزشکی اشاره شده بود، محدود بودن مثال‌ها به این رشته موجه بود. کاستی دیگر آن بی‌توجهی نویسنده به آثار مشابه در زمینه نگارش علمی است، به‌نحوی که به‌جز چند استناد محدود هیچ نشانی از آثار مرتبط معروف در این زمینه دیده نمی‌شود. کتابی که خود درباره نگارش علمی است باید به این مسئله توجه ویژه‌ای داشته باشد که متأسفانه نویسنده از آن غفلت کرده است. همچنین نمایه انتهای کتاب تا حدودی کلی است و جزئیات لازم را دربر نمی‌گیرد. با این حال کتاب حاضر در مجموع اثری مفید همراه با توصیه‌های کاربردی فراوانی است که مطالعه آن برای کسانی که در آغاز راه نگارش هستند بسیار مفید خواهد بود. از این رو می‌توان مطالعه آن را به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری توصیه کرد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Michael J. Katz
2. School of Medicine, Case Western Reserve University
3. Natural/Normal/Regular/Standard

### مآخذ

Katz, M. J. (1985) *Elements of the Scientific Paper: A Step-by-step Guide for Students and Professionals*. New Haven; London: Yale University Press.

### مقدمه

نوشتن یک مهارت است و یادگیری آن مثل هر مهارت دیگر نیاز به تمرین و ممارست دارد. اما تمرین وقتی موثر خواهد بود که مبتنی بر اصول و قواعد درست باشد. این اصول را می‌توان با مطالعه نمونه‌های موفق در رشته‌های مختلف آموخت و در آثار خود به کار بست. مرور منابع موجود در حوزه «اصول و مبانی نگارش علمی»<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که تا کنون آثار متعددی در این زمینه به زبان‌های مختلف نوشته شده است. البته در سال‌های اخیر تعداد و تنوع این آثار افزایش یافته و محققان نیز نگارش علمی را گونه (ژانر) مستقلی در تولید آثار نگارشی دانسته و به تبیین مبانی آن پرداخته‌اند؛ مثلاً پس از ۷۳ سال اصول ساده اما مهمی مثل «شفافیت در نگارش علمی» که ویلیام آگبرن (۱۹۴۷) در مقاله کوتاه خود در مجله «جامعه‌شناسی امریکا» به آنها اشاره

در کتاب گفته شود بهتر است؟» «چه کسانی مخاطب آن خواهند بود؟» «متن کتاب تا چه اندازه باید رسمی یا عامیانه باشد؟» «با توجه به ویژگی‌های خوانندگان تا چه حد امکان استفاده از واژگان تخصصی وجود دارد؟» «چه مفاهیمی باید توضیح داده شود و چه مطالبی را باید جزء دانسته‌های خوانندگان تلقی کرد؟» و مواردی از این قبیل. در ادامه هینز به انگیزه‌های نویسندگان از نگارش کتاب‌های دانشگاهی اشاره می‌کند و تأثیر هر یک را بر فرآیند نگارش تشریح می‌کند. وی معتقد است که این انگیزه‌ها می‌توانند در طیف وسیعی قرار گیرند که در یک سوی آن کسب درآمد و شهرت و در سوی دیگر خدمت صادقانه به پیشرفت و ترویج علم قرار دارد. در میان این طیف انگیزه‌های دیگری همچون تلاش برای ارتقاء مرتبه دانشگاهی و یادگیری دیده می‌شود؛ چرا که از یک سو تدوین و انتشار یک کتاب همراه با فرصت‌های یادگیری فراوان است و از سوی دیگر یکی از شروط اصلی ارتقاء مرتبه دانشگاهی اعضای هیئت علمی محسوب می‌شود. نویسنده با تکیه بر اهمیت توجه به فرصت‌های یادگیری در فرآیند نشر کتاب، معتقد است تمام مراحل نگارش و انتشار هر اثر پر از فرصت‌های یادگیری است؛ کسب آگاهی از روندها و رویه‌های حاکم بر صنعت چاپ، اهمیت تخصص‌های مختلف از جمله گرافیک بر موفقیت کتاب، نقش بازاریابی و توزیع موثر بر فروش کتاب و موارد دیگر همه می‌توانند تجربه‌های خوبی برای نویسندگان باشند. هینز بر اساس تجربه مدیریتی خود در صنعت نشر، کتاب‌های دانشگاهی را به چهار گونه (ژانر) اصلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: آثار مرجع دانشگاهی، تک نگاشت‌های علمی<sup>۲</sup>، منابع درسی (درسنامه‌ها)<sup>۳</sup> و کتاب‌های پرفروش ترویجی که توسط دانشگاهیان برای مخاطبان غیردانشگاهی نوشته می‌شوند. البته او در ادامه

کرده، همچنان مورد توافق کارشناسان این حوزه است. طی چند دهه گذشته آثار فراوانی در قالب کتاب و مقاله منتشر شده که در آنها نویسندگان آثار علمی تلاش کرده‌اند آئین نگارش علمی را به خوانندگان آموزش دهند. برخی از این آثار جنبه عمومی‌تر داشته (مثل پارکر و رایلی، ۱۹۹۵) و برخی به انواع خاصی از نوشته‌های علمی اشاره کرده‌اند؛ مثلاً، بولکر (۱۹۹۸) به اصول نگارش پایان‌نامه پرداخته، ژرمانو (۲۰۰۵) چگونگی تبدیل یک رساله دانشگاهی به یک کتاب را توضیح می‌دهد، دی و گاستل (۲۰۰۶) و گوستاوو (۲۰۰۸) به اصول مقاله‌نویسی توجه کرده‌اند و سرانجام نویسنده کتاب حاضر اثر خود را به فرآیند نگارش و انتشار کتاب‌های دانشگاهی اختصاص داده است.

#### معرفی نویسنده

نویسنده این اثر آنتونی رابرت هینز، فارغ‌التحصیل دانشگاه کمبریج انگلستان است. وی پس از سال‌ها تجربه مدیریت در چندین موسسه علمی و انتشاراتی، در حال حاضر به‌عنوان مدرس مدعو در دانشگاه‌های پکن و هیروشیما تدریس می‌کند. زمینه اصلی فعالیت دانشگاهی او سه حوزه «آئین نگارش علمی»، «نشر دانشگاهی» و «برنامه‌ریزی درسی و آموزشی» است. هینز آثار مشابهی در زمینه نگارش علمی در کارنامه خود دارد که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «نگارش کتاب‌های درسی موفق» و «یکصد ایده در آموزش نگارش» اشاره کرد که به‌ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۷ منتشر شده‌اند (هینز، ۲۰۰۱ و ب ۲۰۰۷). همچنین در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و مهارت‌های تدریس ایشان مولف کتاب‌هایی همچون «یکصد ایده در برنامه‌ریزی درسی» و «راهنمای کامل تدوین برنامه‌ریزی درسی» است (هینز، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰).

#### معرفی کتاب

آنتونی هینز در مقدمه کتاب به ابهام عمده‌ی در واژه «موفقیت» در عنوان اثر اشاره می‌کند. به‌عقیده وی توانایی در نگارش یک اثر علمی و توفیق در انتشار آن به یک اندازه اهمیت دارند؛ چرا که فقط مهارت در نوشتن برای تولید این آثار کافی نیست و نویسنده باید قادر باشد نوشته خود را با موفقیت منتشر کند. در سرتاسر کتاب نویسنده کوشیده است با تأکید بر این دو وجه اصلی در فرآیند تولید منابع علمی راهکارهایی عملی در اختیار خوانندگان قرار دهد تا علاوه بر موفقیت در تدوین اثر خود آن را به بازار نشر نیز برسانند.

کتاب حاضر در سه بخش اصلی و ۱۱ فصل تنظیم شده است. این سه بخش عبارتند از: نویسنده شدن، نگارش متن و مدیریت پروژه نگارش<sup>۳</sup>. بخش نخست که خود شامل چهار فصل است به اصول و مبانی نگارش می‌پردازد. هینز در فصل اول تحت عنوان «مبانی نگارش» تلاش کرده به پرسش‌هایی اساسی که هر نویسنده قبل از انتشار کتابش باید به آنها توجه کند، پاسخ گوید. پرسش‌هایی نظیر: «اهمیت انتشار این کتاب چیست؟» «چه مطالبی

#### به‌عقیده وی توانایی در

#### نگارش یک اثر علمی

#### و توفیق در انتشار آن

#### به یک اندازه اهمیت

#### دارند؛ چرا که فقط

#### مهارت در نوشتن برای

#### تولید این آثار کافی

#### نیست و نویسنده باید

#### قادر باشد نوشته خود

#### را با موفقیت

#### منتشر کند





**هینز فرآیند نگارش را به پنج گام اصلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: شکل‌گیری تدریجی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی، تهیه پیش‌نویس اولیه، ویرایش پیش‌نویس، بازبینی و ارائه**

گروه پنجمی نیز معرفی می‌کند و آنها را «آثار تکمیلی» می‌نامد. آثار تکمیلی کتاب‌هایی هستند که در فهرست منابع خواندنی به دانشجویان معرفی می‌شوند اما کتاب درسی پایه و اصلی به‌شمار نمی‌آیند. حضور این آثار در مجموعه کتابخانه‌ها مفید خواهد بود اما نبودشان آسیبی به مجموعه نخواهد زد. آثار تکمیلی فروشی مقطعی و گذرا دارند و چندان مورد استقبال ناشران بزرگ و معروف قرار نمی‌گیرند.

در ادامه بخش نخست کتاب، نویسنده در فصل‌های دوم تا چهارم به ترتیب تحت عناوین «زمینه»، «حق تالیف» و «قرارداد با ناشران» توصیه‌های خود را درباره اصول نشر در حوزه کتاب‌های دانشگاهی ارائه می‌دهد. مطالعه این فصول نشان می‌دهد که نویسنده به‌خوبی توانسته تجربه کاری خود در حوزه نشر دانشگاهی را به‌رشته تحریر درآورد. او توجه نویسندگان را به اهمیت انتخاب ناشر مناسب برای آثارشان جلب کرده به آنان هشدار می‌دهد که در صورت غفلت از این موضوع ممکن است تمام زحماتی که در فرآیند نگارش کتاب خود متحمل شده‌اند بی‌نتیجه بماند. هینز به مقایسه مزایا و معایب همکاری با ناشران بزرگ و معروف در مقابل ناشران کوچک می‌پردازد. او معتقد است اگر نویسنده‌ای بتواند اثر خود را توسط یکی از ناشران معروف دانشگاهی مثل راتلج، تیلبور و فرانسیس، اینفورما یا الزویر<sup>۲</sup> منتشر کند می‌تواند نسبت به توزیع مناسب و فروش بهتر آن امیدوارتر باشد؛ ضمن آنکه در خلال فرآیند نشر می‌تواند از تخصص و مهارت بالای کارکنان مجرب این موسسات بهره‌مند شود. در مقابل به دلیل محبوبیت این ناشران و تقاضای فراوانی که برای انتشار آثار دارند ممکن است کسب موافقت آنان برای سرمایه‌گذاری در انتشار یک کتاب

بخش دوم این کتاب تحت عنوان «نگارش متن» شامل چهار فصل است که عبارتند از «فرآیند نگارش ۱، فرآیند نگارش ۲، تدوین و تنظیم متن و تبدیل پایان‌نامه به کتاب». هینز معتقد است که نگارش به‌همان اندازه که دلالت بر یک محصول دارد اشاره به فرآیندی است که طی آن اندیشه نویسنده متبلور می‌شود. هینز نگارش را یک فرآیند می‌داند و در صفحه ۵۹ کتاب به چهار نکته اساسی در این زمینه اشاره می‌کند؛ نخست آنکه هیچ نوشته‌ای تمام نمی‌شود مگر آنکه نویسنده چنین تصمیمی بگیرد، دوم، تا زمانی که نوشته‌ای به پایان نرسیده امکان ویرایش آن وجود دارد، سوم، نارسایی ویرایش اولیه یک نوشته اهمیت چندانی ندارد زیرا همواره می‌توان راهی برای بهبود آن یافت و چهارم، از آنجا که نسخه اول هر نوشته تنها نقطه شروع است نباید چندان نگران کیفیت آن بود. در واقع هینز با طرح این نکات نگرش خود را به فرآیند نگارش نشان می‌دهد و به خواننده اطمینان می‌دهد که هر اثر نوشتاری در واقع محصولی است که طی یک فرآیند



کنند و گام‌های پنجگانه فوق را یکی پس از دیگری بردارند. در پایان بخش دوم کتاب، همین نکاتی در خصوص چگونگی تبدیل پایان‌نامه دکتری به کتاب مطرح می‌کند و به دانش‌آموختگان این دوره توصیه می‌کند رساله خود را به کتاب تبدیل کنند چرا که به این ترتیب طیف وسیع‌تری از خوانندگان می‌توانند از نتایج تحقیقات دوره دکتری ایشان آگاه شوند.

بخش سوم و پایانی کتاب تحت عنوان «مدیریت پروژه نگارش» کوتاه‌تر از دو بخش قبلی و شامل دو فصل تحت عناوین «زمان» و «افراد» است. در این دو فصل نویسنده کتاب بر اهمیت مدیریت زمان و چگونگی تعامل موثر با افرادی که در فرآیند نگارش و انتشار یک اثر نقش دارند تأکید می‌کند. استفاده از فرصت‌های کوتاه نوشتن، اختصاص ساعات مشخصی از روز و هفته به نگارش از جمله توصیه‌هایی است که برای مدیریت زمان در کتاب مطرح شده است. بر اساس آنچه در فصل دهم کتاب آمده مهم‌ترین افرادی که مولف کتاب باید با آنها ارتباط کاری موثر برقرار سازد عبارتند از: نویسندگان همکار، ویراستار علمی و ادبی، ناشر، داوران علمی، طراح جلد و منتقدانی که بعد از انتشار کتاب به نقد و بررسی آن خواهند پرداخت.

سراجم کتاب حاضر با فصل یازدهم که به عنوان سخن پایانی نویسنده پس از بخش سوم قرار گرفته به پایان می‌رسد. در این فصل همین نویسنده‌گان را به استمرار کار نگارش پس از انتشار کتاب خود تشویق می‌کند. وی معتقد است اگر نگارش را فرآیندی مستمر بدانیم انتشار یک کتاب به معنای پایان کار نیست و نویسنده باید پس از آن به فکر تدوین ویرایش‌های بعدی آن باشد. بسته

**از کاستی‌های این اثر می‌توان  
به فهرست مندرجات کتاب  
اشاره کرد که بر خلاف متن  
کتاب، مبهم و کلی است.**

چند مرحله‌ای تولید می‌شود و در آن امکان اصلاح و ویرایش آن وجود دارد. بنابراین نباید کیفیت پایین پیش‌نویس اولیه، نویسنده را از ادامه حرکت در مسیر تولید محصول نهایی باز دارد.

در ادامه همین فرآیند نگارش را به پنج گام اصلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: شکل‌گیری تدریجی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی، تهیه پیش‌نویس اولیه، ویرایش پیش‌نویس، بازبینی و ارائه<sup>۵۶</sup>. همین معتقد است که توجه به هر یک از این مراحل در موفقیت نویسنده تأثیر به‌سزایی دارد و زمان لازم برای گذشتن از هر مرحله بسته به نوع نوشته و ویژگی‌های نویسنده متفاوت است؛ مثلاً، ممکن است نویسنده‌ای قبل از انتشار کتاب خود ماه‌ها یا حتی سال‌ها وقت صرف مرحله نخست کند و این زمان را نباید تلف‌شده تلقی کرد زیرا گاه سال‌ها اندیشه اثری تولید می‌کند که به‌تنهایی تأثیری به مراتب عمیق‌تر از ده‌ها اثر مشابه از خود برجای می‌گذارد. نکته مهم این است که نویسندگان باید اندیشه‌های پراکنده خود را به شکل‌های مختلف بر هدف اصلی کتابی که در دست تدوین دارند متمرکز

**در مجموع به اعتبار اینکه کتاب حاضر بیش از هر چیز مبتنی بر تجربه نویسنده در فرآیند انتشار کتاب‌های علمی است و با تئری روان و سلیس نکات کلیدی متعددی را در این زمینه مطرح کرده است می‌توان آن را در زمره آثار نسبتاً موفق در این حوزه برشمرد که مطالعه آن برای نویسندگان جوان مفید و آموزنده خواهد بود**

**پی‌نوشت‌ها**

1. Mansourian@tmu.ac.ir
2. Scientific Writing Basics and Principles
3. Becoming and Author, Writing the Text and Managing the Project
4. Scientific Monographs
5. Textbooks
6. Supplementary Texts
7. Routledge, Taylor and Francis, Informa, Elsevier
8. Incubation, Planning and Preparation, Drafting, Redrafting, Checking and Presentation

به نوع کتاب، ویرایش می‌تواند در سه سطح مختصر، استاندارد و اساسی رخ دهد؛ ویرایش مختصر شامل اصلاح غلط‌های تایپی، روزآمدسازی منابع و آمار و ارقام، طراحی مجدد جلد و افزودن مطالب تکمیلی است، ویرایش استاندارد علاوه بر موارد فوق شامل افزایش و کاهش بخش‌های کتاب و بازنویسی قسمت‌های مختلف است، در نهایت ویرایش اساسی ضمن آنکه موارد اصلاحی دو مرحله قبلی را دربرمی‌گیرد ممکن است همراه با تغییر ساختار کتاب و اعمال تغییرات اساسی در بخش‌هایی عمده باشد. در پیوست کتاب نمونه‌هایی از پیشنهاد (پروپوزال) برای تدوین کتاب و تنظیم قرارداد با ناشران ارائه شده است.

**امتیازها و کاستی‌های کتاب**

کتاب حاضر از چند جهت با نمونه‌های مشابه که تا کنون در زمینه اصول نگارش علمی منتشر شده‌اند تفاوت دارد زیرا بسیاری از آثار در این زمینه بیشتر بر فرآیند تدوین و نگارش اثر توجه دارند و کمتر به مسائل و نکات مربوط به فرآیند نشر می‌پردازند؛ اما همین به دلیل تجربه‌ای که در صنعت نشر دارد و سال‌ها مدیر چند موسسه انتشاراتی بوده است تأکیدی ویژه بر فرآیند نشر آثار پس از اتمام نگارش آنها دارد.

از امتیازهای دیگر این اثر می‌توان به نثر ساده و روان آن اشاره کرد که در آن اصول بنیادی نگارش همچون شفافیت، ایجاز و دقت به خوبی رعایت شده است. از کاستی‌های آن نیز می‌توان به فهرست مندرجات کتاب اشاره کرد که بر خلاف متن کتاب مبهم و کلی است. همان‌طور که عنوان فصل‌ها در بخش معرفی کتاب نشان می‌دهد این عناوین به هیچ‌وجه گویای محتوای فصول نیست و تنها با مطالعه هر فصل می‌توان به محتوای آن پی‌برد. از دیگر معایب کتاب باید به کمبود منابع مورد استناد در آن اشاره کرد. در زمینه نگارش علمی، آثار مفید و ارزشمند فراوانی منتشر شده که نویسنده به بسیاری از آنها توجه نداشته است.

در مجموع به اعتبار اینکه کتاب حاضر بیش از هر چیز مبتنی بر تجربه نویسنده در فرآیند انتشار کتاب‌های علمی است و با تئری روان و سلیس نکات کلیدی متعددی را در این زمینه مطرح کرده است می‌توان آن را در زمره آثار نسبتاً موفق در این حوزه برشمرد که مطالعه آن برای نویسندگان جوان مفید و آموزنده خواهد بود.

**مآخذ**

1. Bolker, J. (1998), Writing Your Dissertation in Fifteen Minutes a Day: A Guide to Starting, New York: Henry and Holt.
2. Day, R. A. , and Gastel, B. (2006), How to Write and Publish a Scientific Paper, 6th ed, Cambridge University Press.
3. Germano, W. P. (2005), From Dissertation to Book, University of Chicago Press.
4. Gustavii, B. (2008), How to Write and Illustrate a Scientific Paper, 2nd ed, Cambridge University Press.
5. Haynes, A. (2001), Writing Successful Textbooks, London: A&C Black.
6. Haynes, A. (2007 a), One Hundred Ideas for Lesson Planning, London: Continuum.
7. Haynes, A. (2007 b), One Hundred Ideas for Teaching Writing, London: Continuum.
8. Haynes, A. (2010), The Complete Guide to Lesson Planning and Preparation, New York: Continuum International Pub Group.
9. Ogburn, W. (1947), On scientific writing. The American Journal of Sociology, Vol. 52, No. 5, PP. 383-388.
10. Parker, F., & Riley, K. (1995), Writing for Academic Publication: A guide to Getting Started. Superior, WI: Parlay Press.